

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



همه ی ما به خوبی می دانیم تا زمانی که سر در لاک خود فرو بریم و حتا اگر حقان در جایی پایمال شده است سکوت کنیم، کسی با ما کاری نخواهد داشت و این زندگی حد اقلی که داریم را از دست نخواهیم داد. چرا که جز این حقوق بخور و نمیر و زندگی کوچکی که برای خود دست و پا کرده ایم چیز دیگری برای از دست دادن نداریم. اما دقیقا از زمانی که برای دفاع از حق خود و شرافت خود بپا می خیزیم خطرهای زیادی در سر راه ما بوجود می آید و زندگی ما را تهدید می کند. و دقیقا از همین لحظه است که انسانیت ما آغاز می شود. چرا که مبارزه ی ما کارگران برای رهایی از چنگال استثمار و بهره وران، مبارزه برای رهایی تمامی جامعه است. چرا که ما تولید کنندگان تمامی ثروت جامعه ایم. زمانی که مبارزه را آغاز می کنیم دیگر زندگی مان کوچک نیست. چرا که تمامی رنج زمین را در قلب خود داریم...

۲

طبقات اجتماعی را درست بشناسیم

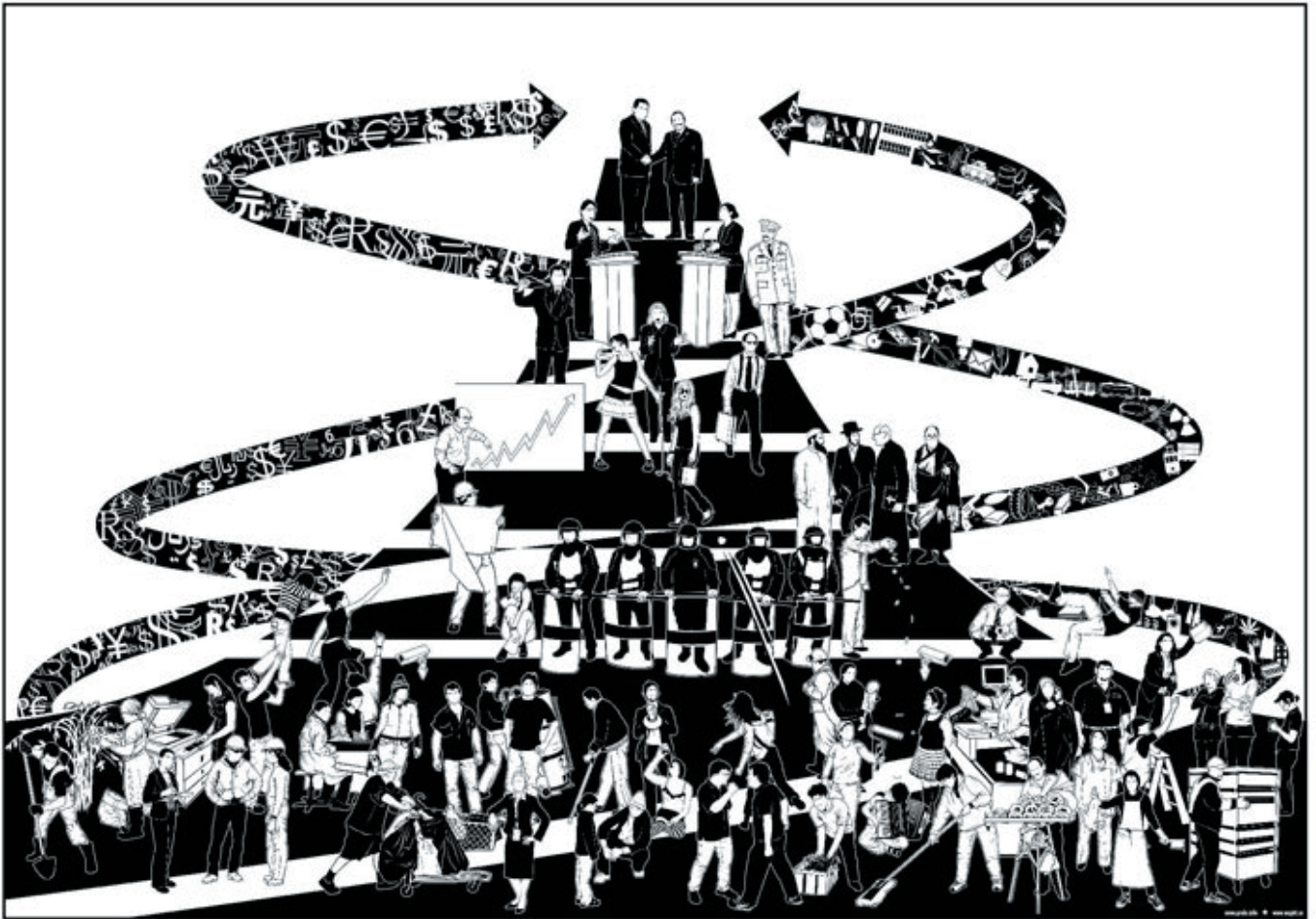
۸

کارِ مزدی

۱۰

اخبار کارگری

طبقات اجتماعی را درست بشناسیم



زمانی که از طبقه ی کارگر صحبت می کنیم منظورمان چیست؟ برای پاسخ به این سوال در ابتدا باید بتوانیم طبقه را تعریف کنیم. در تمامی نظام های اقتصادی افراد زیادی مشغول فعالیت اند. و برای چرخیدن چرخ های یک اقتصاد تمامی این افراد باید دائما با هم در ارتباط باشند، مستقیم یا غیر مستقیم. اما مشخص است که این افراد با هم متفاوت اند. آنچه باعث تفاوت شان می شود چیست؟ تفاوت میان یک مدیر، تاجر، مشاور اقتصادی، تکنسین، فروشنده ی ساده، کارمند دولت، سرمایه دار و کارگر چیست؟ همه ی ما می دانیم که یک انسان مدیر به دنیا نمی آید همچنان که کسی کارمند دولت به دنیا نمی آید! پس چه چیزی باعث می شود اینها مشاغل متفاوتی را انتخاب کنند و در جایگاه های متفاوتی قرار بگیرند؟ آیا تنها استعداد و مهمتر از آن علاقه ی شخصی علت آن است؟ تا اندازه ای درست است؛ استعداد و

علاقه‌ی شخصی شاید در راهی که فرد انتخاب می‌کند تاثیر بگذارد اما استعداد و توانایی‌های شخص باید در محیط مناسبی قرار بگیرد تا شکوفا شود. منظور از محیط مناسب سطح رفاهی خانواده، کیفیت تحصیلات، اخلاق تربیتی خانواده، میزان ثروت خانواده و در مواردی ارث، امکانات فرهنگی، خدمات شهری و غیره است. به همین دلیل است که می‌گوییم فرزندان اعضای طبقه‌ی کارگر نمی‌توانند جایگاهی بالاتر از طبقه‌ی خود در اقتصاد کسب کنند. معمولاً در همان طبقه‌ی خود ازدواج می‌کنند و شانس بیشتری از والدین خود برای یافتن کار ندارند. (البته نباید جهش‌های اتفاقی را فراموش کرد مثل برنده شدن مبلغ زیادی پول، ازدواج‌های بین طبقاتی و یا کارهای غیرقانونی. اما زمانی که کل طبقه‌ی کارگر را در نظر بگیریم این جهش‌ها بسیار

زمانی که طبقه‌ی کارگر به درستی از مناسبات اجتماعی خود با طبقات دیگر مطلع شود و برای خواست‌های خود دست به کنش بزند به آگاهی طبقاتی می‌رسد

نادر و محدود است تا اندازه‌ای که اصلاً به چشم نمی‌آید. پس نتیجه‌ی می‌گیریم که محیط اجتماعی مناسب‌ترین عامل است. اما ریشه‌ی این تفاوت‌ها چیست؟ جواب یک کلمه است: مالکیت متمایز. مهم‌ترین کلید در فهم طبقات همین مالکیت است. این مالکیت ممکن است منشاء متفاوتی داشته باشد: مانند وراثت، خوش‌شانسی، رانت سیاسی، اعمال زور قانونی و غیرقانونی و غیره. افرادی که در یک اقتصاد ضرورتاً با هم تعامل دارند به طبقات مختلفی تقسیم می‌شوند: سرمایه‌دار کارگر را استثمار می‌کند و سرمایه‌اش بیشتر می‌شود و کارگر فقیرتر. بدون وجود کارگر سرمایه‌دار وجود نخواهد داشت. چرا که کسی نیست دیگر تا استثمارش کند. همین‌طور بدون وجود زبردست‌مدیر هم وجود ندارد چرا که دیگر کسی نیست تا از او فرمان برد. بدون تولیدات

کارگران و کشاورزان تاجر چیزی برای تجارت نخواهد داشت. پس دیگر تاجر هم وجود نخواهد داشت. به همین دلیل می‌گوییم که طبقات تنها در روابط با یکدیگر وجود دارند. عمومی‌ترین رابطه در جامعه‌ی طبقاتی رابطه‌ی میان دارندگان و نداشتگان مالکیت است. بدین صورت افراد در روابط اقتصادی‌ای که با هم دارند در جایگاه‌های متفاوت طبقاتی قرار می‌گیرند. سرمایه‌دار کارگر را استثمار می‌کند به این دلیل که بر او برتری دارد. و این برتری ناشی از مالکیت اش است. مالکیت بر ابزار تولید. به همین دلیل حتی اگر سرمایه‌دار خیرخواه‌ترین افراد هم باشد باز هم حاضر نیست مالکیت اش را از دست بدهد. به این دلیل ساده که با از دست دادن مالکیت اش دیگر سرمایه‌دار نیست و جایگاه طبقاتی اش را از دست می‌دهد. او اینطور می‌اندیشد که باید سرمایه‌دار بماند تا بتواند به فعالیت‌های خیرخواهانه اش ادامه دهد! پس به نفع اش است که مواضع اش را حفظ کند. همانطور که به نفع یک کارگر است که برای افزایش مزد، بیمه شدن، قرارداد مناسب، بدست آوردن حق اعتصاب و غیره از مواضع اش کوتاه نیاید. این منافع طبقاتی باعث ارتباط خصومت آمیز میان طبقات می‌شود. در اقتصاد سرمایه‌داری

* نباید تعجب کنیم اگر در جوامع سرمایه‌داری بر تغییر درونی فرد تاکید می‌شود. می‌گویند این خود فرد است که باید با استفاده از روش‌هایی که متخصصین ما در کتاب‌های روانشناسی و عرفانی توصیه می‌کنند خود را تغییر دهد. و فرد خوبی شود و همچنین به خواسته‌های فردی خود برسد! و البته به هیچ وجه راضی به تغییر شرایط اجتماعی نیستند. به همین دلیل است که انقدر از انقلاب می‌ترسند. شورش‌ها را سرکوب می‌کنند تا وضع را عادی جلوه دهند. هیچوقت نمی‌گویند که برای تغییر فرد ابتدا باید مناسبات استثمارگرانه‌ی میان انسانها از بین برود. نمی‌گویند بدی در اجتماع وجود دارد، در فقر. در بردگی انسان‌ها. در سیستم اقتصادی. در عوض می‌گویند بدی در درون انسان هاست، آن را از بین ببرید تا جامعه خوب شود! و همچنین برای رسیدن به هدف خود که استثمار بیشتر طبقه‌ی کارگر و حفظ وضع موجود است دست به دامن مذهب هم می‌شوند. معنویت انسان را تبدیل می‌کنند به قوانین لازم‌الاجرای دنیوی



عمومی ترین رابطه در جامعه ی طبقاتی رابطه ی میان دارندگان و ندارندگان مالکیت است

یه هیچ وجه و در هیچ زمانی نمی توان از خصومت آمیز شدن مناسبات طبقاتی جلوگیری کرد. این خصومت ریشه در طبیعت اقتصاد سرمایه داری دارد. پس نتیجه می گیریم که جایگاه های طبقاتی متفاوت باعث بوجود آمدن منافع طبقاتی خصومت بار می شود. تا زمانی که طبقه ی سرمایه دار قدرتمند تر است با وضع قوانین حقوقی و استفاده از نیروی نظامی و ترساندن و اخراج کارگران سعی می کند تا وضع به همین صورت که مطلوب است باقی بماند*. اما زمانی که طبقه ی کارگر به درستی از مناسبات اجتماعی خود با طبقات دیگر مطلع شود و برای خواست های خود دست به کنش بزند به آگاهی طبقاتی می رسد. و از آگاهی طبقاتی در جهت سازماندهی بهتر و اعمال بیشتر قدرت خود استفاده می کند. نتیجه می گیریم که کنش طبقاتی موجب آگاهی طبقاتی می شود و از طرف دیگر آگاهی طبقاتی موجب کنش طبقاتی می شود. گفتیم که سرمایه داران با استفاده از مالکیت کارگران را استثمار می کنند. نیروی کار آنها را تصاحب می کنند. در نتیجه باید گفت که استثمار و حفظ جایگاه ها و منافع طبقاتی در فرایند کار صورت می گیرد. در جریان مناسبات کار، کسانی که صاحب منابع اقتصادی اند(بر منابع اقتصادی مالکیت دارند) و آنان که تنها صاحب نیروی کار خود هستند از طریق سود، بهره، رانت و مزد با هم در ارتباط اند. این مناسبات اقتصادی میان طبقات

باعث تفکیک بیشتر آنها می شود. برای توضیح دقیقتر در زیر بطور جدا به تعریف طبقات می پردازیم:

طبقه ی کارگر

تمامی آنهایی که صرفا صاحب نیروی کار خودشان هستند در طبقه ی کارگر قرار می گیرد. در اینجا می بینیم که باز هم این مالکیت است که مشخص کننده ی طبقات است. کارگر هم مالک است اما تنها مالکیت نیروی کارش را دارد. در نتیجه کارمندان دفتری، فروشندگان، کارگران ساختمانی، کارگران غیرماهر یا کارگران خط مونتاژ همگی در طبقه ی کارگر جای می گیرند. همه ی آنها که در طبقه ی کارگر قرار می گیرند باید مزدی که بازار و دولت برای آنها تعیین می کند را بپذیرند. و همچنین باید همیشه در خطر نوسانات مزد و بیکاری احتمالی باشند. البته در طبقه ی کارگر هم قشرهای صاحب امتیازی وجود دارند. این امتیاز ممکن است ناشی از مهارت، سطح تحصیلات و دانش بیشتر و یا رانت و پارتی بازی باشد. اما باید توجه

کنیم که آنها در هر صورت عضو طبقه ی کارگر اند. پس نتیجه می گیریم که مشخصه ی اصلی اعضای طبقه ی کارگر فقدان مالکیت بر ابزار و وسائل تولید است. و اینکه ممکن است در خود طبقه ی کارگر قشرهایی وجود داشته باشد.

طبقه ی سرمایه دار

طبقه ی سرمایه دار طبقه ای است که مالکیت بر ابزار و وسائل تولید را در اختیار دارد. و از این طریق نیروی کار کارگران را تصاحب می کند. منفعت اش در استثمار بیشتر و کاهش مزد نیروی کار است. در کشورهای سرمایه داری قوانین حقوقی و از جمله قانون کار طوری نوشته می شود که منافع سرمایه داران را در اولویت قرار دهد. و از طریق مجلس قانون گذاری هم سیاست هایی تصویب می شود که کاملا منافع سرمایه داران را در اولویت دارد (و معمولا تحت عناوینی چون حمایت از تولید، صادرات و سرمایه گذاری! یعنی اگر سرمایه دار نباشد تولیدی صورت نمی گیرد!). این قوانین توسط دولت اجرا می شوند. بطور

خلاصه می توان گفت تا زمانی که طبقه ی کارگر به دولت و طبقه ی سرمایه دار از پایین فشار نیاورد، طبقه ی سرمایه دار تا جایی که می تواند در جهت به دست آوردن سود بیشتر به کارگران فشار می آورد.

طبقه ی متوسط

درست است که طبقه ی متوسط میان طبقه ی کارگر و سرمایه دار قرار می گیرد اما این کافی نیست و باید بیشتر به تعریف آن دقت کرد. باید بدانیم که چگونه طبقه ی متوسط میان آن دو طبقه ی دیگر قرار می گیرد و منافع اقتصادی اش چیست. در گذشته سرمایه داران خود بر دارایی های خود مدیریت می کردند. یعنی علاوه بر اینکه صاحب کارخانه بودند، خود بر کارگران نظارت می کردند و تولید را هدایت می کردند. اما امروزه با پیچیده تر شدن جوامع و گسترده و تخصصی تر شدن مناسبات اقتصادی دیگر خود سرمایه داران نمی توانند مدیریت را هم به عهده بگیرند. به همین دلیل مدیریت امروزه یک تخصص شده است. سرمایه داران هم معمولاً یک مدیر استخدام می کنند. (البته این مسئله بطور گسترده تر در کشورهای صنعتی پیشرفته وجود دارد). اعضاء طبقه ی متوسط هم مانند کارگران مالک ابزار تولید نیستند. اما تفاوت شان با کارگران در این است که در مقداری از سود شریک اند. این شراکت دلایلی دارد: اعضاء طبقه ی متوسط به نسبت اعضاء طبقه ی کارگر در کارشان مستقل ترند. یا اینکه از مهارت ها و صلاحیت های ویژه ای برخوردارند. این مسئله باعث می شود که در مقایسه با اعضاء طبقه ی کارگر در جایگاه ممتازی قرار می گیرند. به همین صورت کارمندان دولت را می توان جزو طبقه ی متوسط به حساب آورد. همچنین خود کارکنان سیاسی دولت.

خرده بورژوازی

بسیار ساده می توان خرده بورژوازی را کارکن مستقلی تعریف کرد که کارکن مزدبگیری را در استخدام ندارد. مانند آرایشگری که خود مالک مغازه اش است، یا راننده تاکسی ای که خود مالک تاکسی است. یا نجاری که خود به تنهایی یا به همراه اعضای خانواده اش که در قبال کارشان مزدی به آنها نمی دهد کار می کند. خرده بورژوازی سنتی معمولاً به همراه کارکنان فامیلی بدون مزد کار می کند. البته نباید فراموش کنیم زمانی که همین راننده ی اتوبوس استخدام دولت می شود در طبقه ی کارگر قرار می گیرد.



کارِ مزدی

برای تولید یک کالا باید کار کرد. و برای کار کردن باید از نیروی کار صرف کرد. این نیروی کار خود کالایی است که کارگر مجبور است به مالک ابزار تولید یا همان سرمایه دار بفروشد. تفاوت میان کار و نیروی کار مهم است و باید به آن توجه کرد. نیروی کار امکان تحقق کار است. کسی کارش را به دیگری نمی فروشد، بلکه آنچه فروخته می شود نیروی کار است. نیرویی که با آن می تواند کار را متحقق کند. برای فهم درست استثمار توجه به تفاوت میان این دو ضروری است.

نیروی کاری که فروخته می شود مانند هر کالای دیگری ارزش مصرف دارد. این، ارزش مصرف آن است که ارزش واقعی را بوجود می آورد. اما کارگر نیروی کارش را به قیمتی پایینتر از این ارزش واقعی می فروشد. مزدی که او دریافت می کند تنها به او اجازه می دهد تا نیروی کارش را بازسازی کند و همچنین به جمعیت کارگران اضافه کند: به او آنقدر در قبال کارش مزد داده

نمی شود تا بتواند زندگی مرفهی را دست و پا کند. «سرمایه دار با خریدن این نیروی کارِ کارگر یعنی با پرداختن بهای آن، به مانند همه ی خریداران دیگر این حق را بدست می آورد که از این کالایی که خریداری کرده هر طور می خواهد مصرف کند و استفاده کند» اگر سه ساعت برای کارگر کفایت تا به اندازه ی مزدی که می گیرد کار کند و نیروی کارش را بازسازی کند ولی برای دریافت این مزد مجبور است هشت ساعت کار کند، در نتیجه او برای کارفرما پنج ساعت کار اضافی انجام می دهد.

اما چه اتفاقی برای این مقدار کار اضافه می افتد؟ کارفرما با استفاده از قراردادی که با کارگر بسته این کار اضافه را تصاحب می کند. یک مثال ساده: اگر ۱۰ کارگر در یک کارخانه روزی ۵ اتوموبیل تولید می کنند ولی این حق را ندارند که هر دو روز یک بار هر کدام یک اتوموبیل داشته باشند، آنها استثمار شده اند.

این استثمار در زمان و مکان تلفیق شده و کارگران نمی توانند بطور مستقیم آن را ببینند. کشاورزی که در گذشته مجبور بود ۳ روز در هفته را روی زمین ارباب کار کند و بقیه ی روزهای هفته را مشغول زمین خودش باشد، بطور مستقیم می توانست این استثمار را دریابد. ولی امروزه کارگر مدرن نمی تواند این استثمار را بطور مستقیم مشاهده کند.

آن مقداری که کارگر اضافه تولید می کند یعنی مقدار استثمار او ممکن است شکل های متفاوتی به خود بگیرد: ارزش اضافه و سود.

در اینجا باید یادآور شد که ارزش نیروی کار بصورت عددی قابل اندازه گیری نیست. مثلاً انرژی مصرفی برای بازسازی آن را نمی توان توسط کالری بیان کرد. این ارزش یک وجه روانی و فرهنگی دارد که مارکس آن را وجه اخلاقی نامیده است. برای احساس خوشبختی کردن تنها نان کافی نیست بلکه گل هم نیاز است. این مکمل ها توسط نیازهای فرهنگی و توانایی کارگران در مبارزه برای بدست آوردن آنچه به نظر آن ها در کنار خوراک، جای و پوشاک در زندگی شان ضروری است مشخص می شود. یک کارگر در جوامع جهان سومی و کمتر توسعه یافته برای آن که احساس خوشبختی کند توقعات کمتری دارد تا کارگری که در امریکا یا اروپا زندگی می کند. اینجاست که می گوییم مبارزه طبقاتی و سیاسی در جهت بدست آوردن چه خواست های اساسی و چه خواست های مکمل می تواند مانعی باشد در جهت جلوگیری از کالایی شدن تمامی نیروی کار انسان ها



کارکنان تامین اجتماعی مقابل ستاد این سازمان تجمع می‌کنند

کارکنان سازمان تامین اجتماعی قصد دارند تا روز بیست یکم ماه جاری (شنبه هفته آینده) در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهای خود در سال ۸۸ در مقابل ستاد مرکزی این سازمان تجمع کنند. جمعی از کارکنان سازمان تامین اجتماعی در تماس با خبرنگار ایلنا اظهار داشتند: علاوه بر عدم افزایش دستمزد بخشی از بهره‌وری و کارانه امان نیز پرداخت نشده است. آنان با بیان اینکه تجمع پیش از عید نوروز نتیجه‌ای نداشته است تصریح کردند: در حال حاضر که مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی زیر نظر وزیر رفاه کار می‌کند از آقای محصولی انتظار داریم که حقوق قانونی ما را از مسوولان سازمان تامین اجتماعی مطالبه کند و مانع تضییع حقوق پرسنل این سازمان شود.

وضعیت نابسان کارگران در کارخانجات بزرگ اراک

بنا به گزارشات رسیده از کارخانجات اراک، وضعیت کارگران کارخانجات بزرگ علی‌العموم بشدت نابسامان است. یکی از کارگران در این رابطه می‌گوید ۹۹ درصد کارگران قراردادی هستند و آینده‌ای برایشان متصور نیست، چرا که قانونی وجود ندارد و یا اگر به میزانی هم هست، همان هم اجرا نمی‌شود حتی حقوق کارگران را بهمان میزان هم که تصویب کرده‌اند نمی‌دهند. من ۱۷ سال سابقه کار در کارخانجات اراک را دارم، این محیط یک محیطی پر از تشنج است و با نذبازیهایی مختلف در آن جریان دارد و دست اندر کاران بیشتر به فکر ریاست خودشان هستند و کسی به فکر کارگر و مسائل و مشکلات کارگران نیست، یکی از همین دستاوردهای خودم هستم که پس از ۱۷ سال از کمترین امکان زندگی با خانواده ام محروم هستم

اعتراضات کارگری در ایران رو به افزایش است

دولت ایران از نشان دادن واکنش رسمی به اعتراضات ابراز شده علیه تعیین حداقل دستمزد کارگران در ابتدای سال تازه خورشیدی خودداری کرده است. هادی مقدسی، نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس گفته است که حداقل دستمزد ۳۰۳ هزار تومانی در سال ۱۳۸۹ پاسخگوی هزینه‌های زندگی خانواده‌های کارگران نیست. آقای مقدسی گفته است که دولت هنوز خط فقر رسمی را اعلام نکرده است، اما خط فقر نمی‌تواند از ۴۵۰ هزار تومان کمتر باشد. این در حالی است که اقتصاددانان مستقل در ایران قرار گرفتن زیر خط فقر در شهرهای بزرگ این کشور را، مستلزم داشتن درآمدی کمتر از حدود ۸۰۰ هزار تومان می‌دانند. فریبرز رئیس‌دانا، اقتصاددان در تهران در یک برنامه تلویزیونی دولتی ایران گفته است: "حداقل دستمزد کارگران، رقمی در حدود پول تو جیبی است که برخی از مقامات ایران به فرزندان خود می‌دهند." در همین حال عبدالرضا شیخ‌الاسلامی، وزیر کار ایران در پاسخ به پرسشی در باره مقایسه دستمزد کارگران با خط فقر، گفته است که اطلاعی از میزان خط فقر ندارد. فعالان کارگری در ایران دولت را به بی‌اعتنایی به مسایل کارگران و برخورد امنیتی با اعتراضات کارگران متهم می‌کنند.

تحصن و اعتراض رانندگان تاکسی در همدان

روز دوشنبه ۸۹/۱/۱۶ تعداد کثیری از رانندگان تاکسی‌های شهر همدان در اعتراض به قیمت‌های سال جدید با تحصن و اعتراض در مقابل سازمان تاکسی‌رانی همدان اعتراض خود را ابراز داشتند. این اعتراض باعث شلوغ شدن خیابانها در ساعات ابتدایی روز شده و موجبات نگرانی و اعتراض مردم را نیز در بر داشته است. در سایر شهرستانهای این استان نظیر ملایر و نهاوند نیز چنین اعتراضاتی بر پا بوده است

تعطیلی کارخانه چینی حمید در قم و اخراج ۳۰۰ کارگر تجمع ۱۵۰ کارگر که هفت ماه است حقوق نگرفته‌اند

حدود ۱۵۰ نفر از کارکنان کارخانه سبلان پارچه اردبیل قبل از ظهر دیروز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق هفت ماهشان در مقابل ساختمان استانداری اردبیل تجمع کردند. به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی، این کارخانه با تسهیلات زودبازده تاسیس شد و در مراسم افتتاح آن گفته شد کارخانه یاد شده حداقل ۵ هزار نفر از تعداد بیکاران استان را در آینده نزدیک کاهش خواهد داد اما اکنون همچون چند کارخانه مشابه دیگر کارکنان خود را به حدود ۱۵ درصد تقلیل داده و آنها نیز دچار مشکلات هستند.

وضعیت وخامت بار کارخانجات نساجی گیلان

بنا به گزارشات دریافتی وضعیت کارخانجات نساجی گیلان رو به وخامت می‌رود و میزان تولید بسیار پایین است، بازار فروش نیز ندارند. دارندگان کارخانه میگویند تورم بسیار بالاست و تولید صرف نمی‌کند. از طرف دیگر دولت با وارد کردن پارچه خارجی بازار فروش ما را گرفته است و لذا روبسوی اخراج کارگران رسمی و استخدام کارگران قراردادی میکنند که دستشان برای اخراج و عدم پرداخت حقوق و... باز باشد. کارخانه خاور که روزی ۸۰۰ کارگر رسمی داشته است امروز ۳۰۰ کارگر که اکثر قراردادی هستند بیشتر ندارد

اخراج کارگران زن در کارخانه نور برکات قم

در کارخانه نور برکات شهرک شکوهیه قم که حدود ۴۰ نفر کارگر دارد تعداد ۱۰ کارگر که اکثر خانم بودند را اخیراً اخراج کرده‌اند. علت اخراج را عدم رونق کسب و کار عنوان نموده‌اند ولی بعداً بجای آنها تعدادی نفرات را که باصطلاح از خانواده شهید بوده‌اند سرکار آورده‌اند.

کارگران اخراجی هر کدام سابقه ۱۰ تا ۱۵ سال کارداشتند و این موضوع باعث اعتراض شدید کارگران شده است

کارخانه چینی حمید قم را با ۳۰۰ کارگر تعطیل کرده‌اند و کارگران را نیز بدون پرداخت حقوق اخراج نموده‌اند. متعاقباً کارگران دست به تجمع زده و خواستار حقوق و مطالباتشان میشوند که پس از چندروز قاضی حکم تخلیه کارخانه و فروش اموالش را داده است. برای پرداخت حقوق تعدادی از کارگران بجای پول نقد به آنها وسایل و دستگاههای کاری راداده‌اند که بروند در بازار بفروشند و حقوق خود را بردارند

تجمع اعتراضی کارگران قراردادی اخراج شده لوله سازی اهواز

خبرنگار آژانس ایران خبر: چهارشنبه بعد از ظهر ۱۱.۱.۸۸ کارگران قراردادی اخراج شده کارخانه لوله سازی اهواز در محل مسجد این کارخانه تجمع کردند. قرار بود که مدیریت این کارخانه به این محل آمده و پاسخ کارگران را بدهد. اما مدیریت کارخانه در محل حاضر نمی‌شود. لذا کارگران برای شکایت جلوی استانداری رفته و تجمع می‌کنند. ابتدا با آنها برخوردهای اهانت آمیز می‌شود اما بعد در اثر مقاومت کارگران، قرار می‌شود که ۳-۴ نفر از آنها وارد استانداری شوند. در استانداری معاون استاندار به آنها قول می‌دهد که تا روز دوشنبه آینده جلسه ای با مدیریت کارخانه بگذارد تا به مسایل آنها رسیدگی کنند. و از جمله به آنها قول داده می‌شود که این کارگران اخراجی را (که تعداد آنها ۲۰۰ نفر است) بجای کارگرانی که قرار است بازنشسته شوند مجدداً در کارخانه بکار بگیرند. کارگران مزبور قرار گذاشته‌اند تا دوشنبه آینده صبر کنند و

نتیجه را ببینند و چنانچه به نتیجه نرسیدند، برنامه‌های بعدی شان را که رادیکال و جدی است را انجام دهند. علاوه بر این کارگران اخراجی با نماینده مجلس نظام (به اسم سیدحسین شریفی) نیز دیدار می‌کنند. به او در مورد حقوق معوقه و اینکه ۱۴ ماه هم حقوق نگرفته‌اند و سایر مشکلات شان گفتگو می‌کنند. شریفی به کارگران قول می‌دهد که دنبال کار آنها برود. او از کارگران می‌خواهد که مسئله را بصورت آرام حل کنند و به کارگران می‌گوید که تجمع نکنید که سیاسی نشود و بروید از اداره کار شکایت کنید. این حرف نماینده مزدور نشان می‌دهد که تا چه حد نظام استبدادی از کوچکترین تجمع کارگران وحشت دارد

منصور اسانلو، رییس هیات مدیره سندیکای شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه که بیش از سه سال است در زندان به سر می برد، از سوی مسولان زندان گوهردشت کرج تحت فشار روحی و جسمی قرار دارد. به گزارش فعالین حقوق بشر و دموکراسی، از چند روز گذشته این فعال حقوق بشر ناراحتیهای جسمی اش شدت بخشیده است و در شرایط بسیار بد جسمی بسر می برد. ولی تاکنون برای درمان او هیچ اقدامی صورت نگرفته است. همچنین اسانلو از ناراحتی قلبی و کمردرد رنج می برد. از طرفی دیگر تا به حال پزشک قانونی بیش از ۳ بار تایید کتبی و تاکید کرده است که او قادر به تحمل حبس نیست و باید آزاد شود اما بازجوی وزارت اطلاعات از آزادی و دادن استعلاجی به وی خوداری کرده است. بر اساس این گزارش، رئیس هیئت مدیره سندیکای اتوبوس رانی تهران و حومه همچنان در میان زندانیان عادی و خطرناک قرار دارد و تحت فشارها و تهدیدات قرار دارد و در بندی موسوم به نام "متادون" نگهداری می شود. این مسئله باعث شده است که جان او را در معرض خطر جدی قرار دهد به طوری که توسط زندانیان چند بار با چاقو به وی حمله ور شدند که با هوشیاری او و با حمایت به موقع زندانیان سیاسی این حملات ناکام ماند

کارگران اخراجی شرکت سازمایه بدون دستمزد و مزایا

بنا به گزارشات دریافتی حدود ۲۰۰ تن از کارگران اخراجی شرکت سازمایه که بدلیل تعطیل کردن کارخانه حقوق و مزایای چند ماهه خود را نگرفته اند. این کارگران بدلیل پاسخ نگرفتن از مقامات ذیربط و دست اندرکاران دولتی در تجمعی که قبل از عید داشته اند بطور جمعی تصمیم گرفته اند که اگر بعد از تعطیلات نیمه اول فرودین مطالبات آنها داده نشود با خانواده هایشان بین ۱۵ تا ۲۲ فروردین ماه، مقابل کارخانه تجمع کنند، تا حق و حقوق خود را بگیرند.

بنا به گزارشات دریافتی شرکت قند اصفهان یکی از شرکت های بزرگ در سطح کشور است. دو قسمت اساسی این کارخانه تعطیل شده است. این شرکت با افت در تولید چغندر قند، کاهش نیرو و همچنین کاهش سود مواجه است. تا حدی که قبلا ۷۰۰ کارگر داشته که در حال حاضر به ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر کاهش پیدا کرده است. امسال تولید این کارخانه تا ۷۵ درصد افت کرده است. یکی از اعضای شورای کارگری این شرکت به خبرنگار آژانس ایران خبر در این رابطه گفت: "مشکلات عمده کارگران ما بیمه تامین اجتماعی است. اگر کارگر دفترچه بیمه داشته باشد تازه به او به عنوان گدا نگاه می شود. در حالیکه ۳۰ درصد حقوق کارگران بابت بیمه کم می شود. من ۱۸ سال است که دارم پول بیمه می دهم. در این مملکت در این شهر در این سازمان مشکل داریم. من دو تا پول بیمه دارم می دهم. چرا؟ یا بیمه را اختیاری کنند یا خصوصی. یک تناقض این وسط است. اکثر کارگران حداقل حقوق را می گیرند. ما پول بابت بیمه تامین اجتماعی می دهیم ولی به ما به عنوان فقیر نگاه می کنند. فکر می کنند مجانی دارند انجام می دهند. نمی توانند اداره کنند بدهند خودمان بهترین مدیریت را داریم."

وضعیت وخامت بار کارخانجات نساجی گیلان

بنا به گزارشات دریافتی وضعیت کارخانجات نساجی گیلان رو به وخامت میرود و میزان تولید بسیار پایین است، بازار فروش نیز ندارند. دارندگان کارخانه میگویند تورم بسیار بالاست و تولید صرف نمیکند. ازطرف دیگر دولت با وارد کردن پارچه خارجی بازار فروش ما را گرفته است و لذا روبسوی اخراج کارگران رسمی واستخدام کارگران قراردادی میکنند که دستشان برای اخراج وعدم پرداخت حقوق و... بازباشد. کارخانه خاور که روزی ۸۰۰ کارگر رسمی داشته است امروز ۳۰۰ کارگر که اکثرا قراردادی هستند بیشتر ندارد